

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهار توپراغی

یازار :

زهرا سیمزاری



انتشارات سپهر فروزان

سرشناسه	:	سیمزاری، زهرا، ۱۳۴۶-۱۳۸۴.
عنوان و نام پدیدآور	:	بهار توپراغی/ بازار زهرا سیمزاری.
مشخصات نشر	:	اردبیل: سپهر فروزان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۷۰ ص؛ ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	:	۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۶۸-۹۰۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	ترکی.
موضوع	:	نمایشنامه ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴ <i>Azerbaijani drama -- Iran -- 20th century</i>
رده بندی کنگره	:	PL۳۱۴
رده بندی دیویی	:	۳۶۱.۳۸۹۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۷۷۳۹۶۳

عنوان کتاب: بهار توپراغی

مؤلف: زهرا سیمزاری .

ناشر: انتشارات سپهر فروزان

ویراستار: منصور جدی یل سوئی

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۶۸-۰۸-۹

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

مقدمه :

روزی از روزهای خدا، مادری کم سن و سال، کودکی بیمار خود را در بغل گرفته با هزار درد و رنج در دل، منتظر یک معجزه بود. معجزه ای که کودک بیمارش را بهبود بخشد، ولی دیگر دیر شده بود. اشعه ایکس، دنده های کودک را هدف گرفته بود. دکتر گفته بود:

«برو خدا رو شکر کن فرزندت راه می رود و عقل و هوش کامل دارد.»

مادر نمی دانست معجزه در دستانش است همان کودک باهوش و فهیم که موهبت الهی بود برای او.

پدر و مادر او اصالتاً اهل آذربایجان بودند که به تهران مهاجرت کرده بودند. شیدا متولد تهران بود، ولی قبل از دوران مدرسه به اردبیل مهاجرت کردند. بنابر این شیدا تحصیلات خود را در اردبیل شروع کرد. به مشکلات جسمی که داشت و دلایلی که هرگز کسی نمی دانست و برای دیگران نامعلوم بود اولین روزهای مدرسه اصلاً دلش نمی خواست در مدرسه کلمه ای حرف بزند طوری که مدیر مدرسه ی ابتدایی حکمت پیشنهاد کرده بود او را به مدرسه استثنایی ببرند اما مادر قبول نکرده بود. در آن سال، کتابخانه ی ملی را تبدیل به مدرسه کوچک چهار کلاسه به نام مقدس کرده بودند! مادر، شیدا را در این مدرسه ثبت نام کرد. معلمی داشت به نام خانم فریور که با مهر و محبت خود، شیدا را تشویق به حرف زدن کرد تا اینکه او با مدرسه آخت پیدا کرد.

مقطع راهنمایی را در مدرسه الزهرا - که در آن زمان مدرسه دخترانه بود- واقع در جنب رودخانه «بالیقیل چای» و پل «ینددی گوز کوزپو» سپری کرد.